

در گفت‌وگو با استاد محمد بهرامی

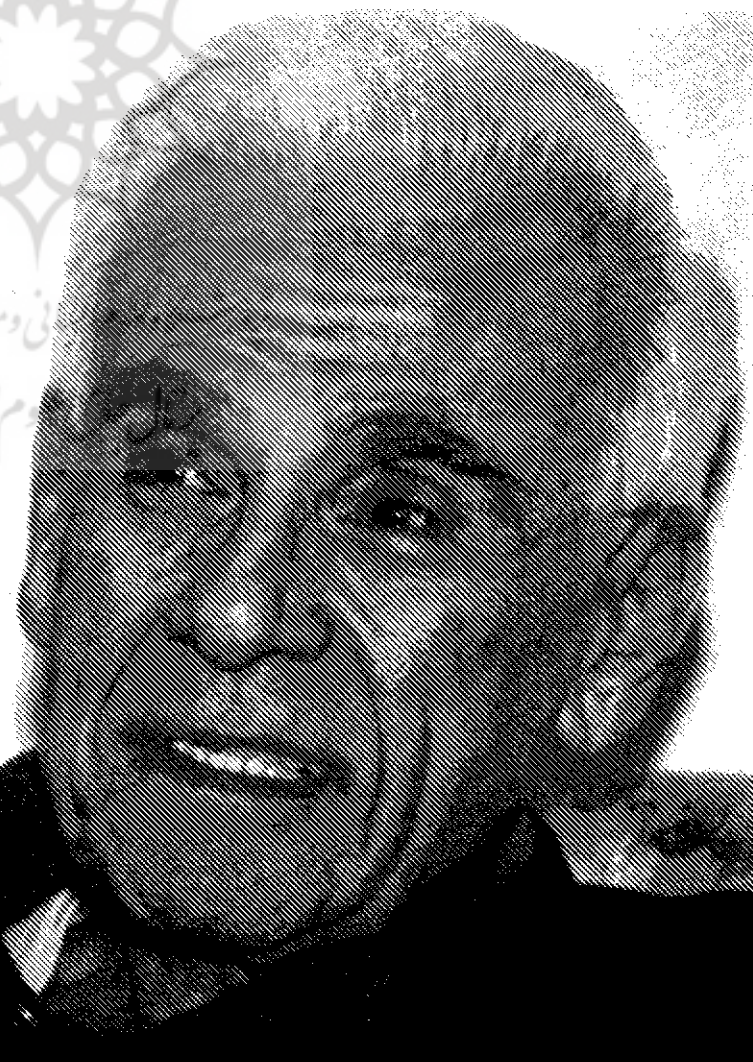
# تاریخ هنر ایران

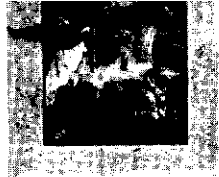
گفت‌وگو: طهرانی کاشانی، سید محمد بهرامی

## اشاره

استاد بهرامی به گفته خودش از کودکی به نقاشی علاقه داشت و بدون آن که نزد استادی آموزش ببیند، با علاقه و پشتکار شخصی نقاشی می‌کرد. رفته رفته شعرتی به هم زد و در سن ۱۶ سالگی به عنوان طراح جلد، در یک مجله ورزشی استخدام شد. اکنون تابلوهایی که او با الهام از مضمون‌های شاهنامه و دیوان حافظ کشیده است، شهرت جهانی دارند و تحسین و حیرت هم بیننده‌ای را برمی‌انگیزند.

مطلع شدیم که استاد بهرامی در حال نگارش تاریخ هنر ایران است. پس برای اطلاع بیشتر، در یک روز سرد زمستانی، راهی منزلش شدیم. استاد ما را به گرمی پذیرفت و به پرسش‌هایمان پاسخ داد.





**اگر هنر در اجتماع وجود نداشته باشد، شما چه طور می‌خواهید سفارش بدهید؟ شما تا کاری را نبینید، چه طور آن را سفارش می‌دهید؟ هنر مربوط به شاه یا کارفرما نیست. هنر پدیده‌ای است که با تکامل بشر و با زندگی روزمره عجین است**

ادعا که آریایی‌ها کوچ کردند و آمدند و ایران را بنا گذاشتند، صحت ندارد. در میان کوچ‌کنندگان یک قوم هم وجود داشته که اسم آریایی از آن قوم گرفته شده است و این‌ها رفته رفته آمدند. مللی که در خاک ایران زندگی می‌کردند، مثل کاشی‌ها یا کسپین‌ها، در اثر مهاجرت‌های جدیدتر، در زمان‌های کوچ به سمت جنوب حرکت می‌کردند. در مرکز ایران هم دریاچه‌ای بود که اطراف آن، شهرهایی مثل دامغان، کاشان و... قرار داشت. ولی دره‌های بسیار سبز و خرم شمال زاگرس و سراسر ایران برای زندگی خیلی مناسب بوده است و باید گفت، طبیعت ایران، جواهر است.

در ایران همواره سازندگی، در عین حال همیشه غارت و چپاول وجود داشته است. نه زمان مغول، بلکه در زمان‌های قبل، اقوامی مانند سبت‌ها یا سکاها به ایران حمله می‌کردند.

این هنرها و ترقی‌ها، در دوران بیزانس به دست اروپاییان افتاد و آن‌ها هنر ایرانیان را تغییر دادند و به تعالی رساندند. یعنی، تعامل بشر تکه تکه نیست. همین کشورهای عراق و فلسطین را که حدود ۱۰۰ سال است می‌شناسیم، جزء فلات ایران بودند که تا ۱۰۰ سال پیش، بین ایران و عثمانی دست به دست می‌شد. در زمان هخامنشیان پایتخت ایران بود. همه این منطقه سرزمین ایران است. گرچه اکنون مرزبندی سیاسی شده است و کشورهای متعددی پدید آمده‌اند، ولی از جهت هنری، هنرها ارتقا پیدا کرده‌اند.

○ جناب استاد، در مجموع فکر می‌کنید که کتاب شما چند جلد

○ لطفاً بفرمائید، طرح شما برای تألیف کتاب چیست؟ این کتاب چند جلد دارد و در هر جلد، چه موضوعاتی مطرح می‌شوند؟

● ابتدا فکر می‌کردم، یک جلد کافی باشد، با ۱۰۰۰ صفحه، ۲۰۰ طرح و سایر ضمائم. ولی هرچه در پهنه هنر ایران جلوتر رفتم، کار وسیع‌تر شد. اول یک رودخانه پرآب بود، بعد شد یک دریا و حالا شده است یک اقیانوس. اکنون جلد اول را دارم تمام می‌کنم که آخر آن، مربوط به ابتدای دوره هخامنشیان است. ما از هفت هزار سال پیش از میلاد، تاریخ هنر داریم. از ۷۰۰۰ سال پیش سمبولیک که در طول آن، شاهد تبدیل خط تصویری به خط علائمی و سپس الفبا هستیم. پس در تاریخ هنر، باید داستان الفبا را بگویم که اهمیت زیادی دارد. چون بزرگ‌ترین اختراع بشر به نظر من اختراع الفباست. از این طریق، بشر توانست، اندیشه‌هایش را ثبت کند و با هموعانش در میان بگذارد.

○ آیا منظور از الفبا، لوح‌های ایلامی است؟

● آن هم یک مرحله‌اش است. عده‌ای متعصب به روی این موضوع‌ها کار کرده‌اند و کوشیده‌اند، اختراع الفبا را به سرزمین‌های سامی نژاد به اصطلاح خودشان، نسبت دهند.

○ شما برای این مدعیان چه جوابی دارید؟

● من براساس مدارک صحبت می‌کنم و هیچ ادعایی هم ندارم. می‌گویم چندین هزار سال است که مردم از این آثار استفاده می‌کردند و همزمان با آن، در هیچ جای دیگر دنیا آن‌ها را نداریم و از آن‌ها استفاده هم نشده است. اگر بوده است، باید پیدا می‌شد و اگر کسانی پیدا کرده‌اند، باید نشان بدهند.

○ یعنی آثار سومری هم بعد از این‌ها بوده است؟

● بله. صد سال پیش، آمدند این آثار را به سومر-ایلام، تقسیم‌بندی کردند که چنین تقسیم‌بندی وجود نداشته است. بین النهرین و دشت خوزستان یک دشت است و کسانی که در آن زندگی می‌کردند، ایرانی بودند. خلاصه‌ای درباره فلات ایران بگویم. فلات ایران به دلیل بلندی، چهار فصل بودن و اعتدال هوا، همواره افرادی کوچ‌نشین و خوش‌نشین را به خود جلب کرده است؛ به خصوص در زمان‌های یخبندان و بارانی. کوچ‌نشینان، چه از طرف شرق و چه از طرف شمال، به سمت فلات ایران می‌آمدند. من ثابت کردم، این



می شود؟

● ببینید، ما یک دوره ۵۰۰ ساله امپراتوری عظیم در ایران داشتیم که حتی از دوره هخامنشیان طولانی تر بوده است؛ یعنی دوره اشکانیان که مسیحیان و ساسانیان تا حدی توانسته اند، تاریخ آن دوره را از بین ببرند. ولی نتوانستند همه را نابود کنند. من مقدار زیادی مدارک راجع به این دوره جمع آوری کرده ام و فکر می کنم که دوره اشکانیان جلد دوم کتابم باشد. باز هم امیدوارم که مدارک بیش تری جمع آوری کنم تا دوره اشکانیان یک جلد و دوره ساسانیان یک جلد دیگر بشود. شما هم می دانید که بزرگ ترین هنر بشر در دنیا در دوره ساسانیان خلق شده است. بهترین پارچه بافی از نظر رنگ، جنس و شکل در این دوره انجام گرفته است که بعدها، هنر بیزانس از آن تقلید کرد. به این ترتیب، این هنر به اروپا رفت. در واقع ۸۰ درصد هنر بیزانس، ساسانی است.

○ ببخشید استاد، آیا این هنر امتزاجی از هنر قبل از دوره ساسانی بود یا یک هنر خاص محسوب می شود؟

● بله. همه این دوران ها تکاملی بوده اند و یک ریشه در گذشته دارند. ○ پس اروپاییان خودشان چه به این هنرها اضافه کردند که به یک شاخه تبدیل شد؟

● آنچه را که اضافه کردند، نمی توان با صحبت گفت و توضیح داد. من در این کتاب، تصویرها را آورده ام و درباره آن ها توضیح داده ام که مثلاً این گل به چه شکل بوده و بعدها به چه شکلی درآمده است. این کاری است که در کتاب تاریخ هنر ایران با ارائه مدارک دارم انجام می دهم. البته جمع آوری مدارک درباره این هنرها کار دشواری است. ببینید، ما کتاب شاهنامه را داریم که زبان و فرهنگ ما را زنده کرده است، ولی مدارکی به دست ما نمی رساند.

این کتاب در واقع اجتماع نامه است و حیات اجتماعی ایران و تاریخ ما را در زمان های تاریک ماقبل تاریخ دنبال می کند. جلد اول تا هخامنشیان است. جلد دوم خود هخامنشیان است که واقعا آثار هنری زیاد دارد که اگر از بین نرفته بود، همه هنر دنیا را جمع می کردند، به قدر هنر هخامنشی نمی رسد؛ ولی همه را از بین برده اند یا آب کرده اند... ○ آیا این که گفته می شود، هنر هخامنشی، هنری است درباری که حکومت به هنرمندان دستور می داد چه آثاری خلق کنند و این آثار در اجتماع وجود نداشته اند، درست است؟

● کاملاً غلط است. اگر هنر در اجتماع وجود نداشته باشد، شما چه طور می خواهید سفارش بدهید؟ شما تا کاری را نبینید، چه طور آن را سفارش می دهید؟ هنر مربوط به شاه یا کارفرما نیست. هنر پدیده ای است که با تکامل بشر و با زندگی روزمره عجین است. فرض کنید، شما یک پیاله می خواهید بسازید. طرح اولیه آن یک اثر هنری دارد. اولین پیاله ای را که بشر ساخت تا با آن از رودخانه آب بردارد، هیچ کس سفارش نداده بود، آن را بشر برای آسایش خود ساخته بود. هنر وسیله راحتی و تکامل بشر و پیشروست. دوزنده لباس، هربار که می خواهد لباس جدیدی بدوزد، طرح قبلی را عوض می کند و می کوشد طرح

قشنگ تری بسازد. دهنه ها و زین های اسب که تا به حال به تعداد فراوانی از جاهای مختلف، از لرستان و مارلیک و... پیدا شده اند، هیچ کدام برای شاه ساخته نشده اند.

حکومت هخامنشی به دلیل خصوصیت خاص خود، هنر را ارتقا داد. یعنی تنها دوره ای است که در آن، برای ۲۲۰ سال جنگی اتفاق نیفتاد، آرامش برقرار بود و هر کشوری دین و عقاید خودش را داشت و فقط دارای یک فرمانروا بود که از طرف مرکز تعیین می شد و برای حفاظت از مرزها مالیات دریافت

می کرد. در تاریخ دنیا، داریوش اول بزرگ ترین مدیر بوده است. او قوانینی آورد که یک دولت متمدن باید داشته باشد و ۲۲۰ سال کشور را به شکل فدرال اداره کرد و بزرگ ترین آثار در این دوره، به وجود آمد. ولی توجه داشته باشید که هنر حتماً تشویق می خواهد. شاه باید خواستار باشد تا این هنر به وجود آید. در دوران هخامنشیان، تشویق و تحسین به حد اعلای خود رسیده بود؛ یعنی واقعا هنرمندان تشویق می شدند و هر روز آثار بهتری به وجود می آوردند.

○ فرمودید که جلد دوم کتاب، مربوط به هخامنشیان است. سایر جلدها به چه دوره هایی تعلق دارند؟

● جلد سوم، اگر من بتوانم مدارک و منابع بیش تری پیدا کنم، در مورد اشکانیان



خواهد بود. دین مسیح عیناً دین اشکانیان است. دوران اسکندر مہری که ۳۵۰ سال قبل از میلاد است. اسکندر مرد بزرگی است که کارهای الکساندر جبار و غارتگر را به او نسبت داده‌اند. ایرانیان اولین ملت خداشناس و یکتاپرست بودند. دیگران ۶۰-۵۰ خدا داشتند. قبل از زردشت هم همین طور بود. آن‌ها افکار فرهنگی، هنری و فلسفی را از ما گرفته‌اند و من این مطلب را با مدارک به شما نشان می‌دهم.

## اگر به استانبول بروید و از موزه توپ قاپی بازدید کنید، خواهید دید بالای آن به خط نستعلیق نوشته است: «کار استاد اصفهانی»

جلد چهارم کتاب به دوره ساسانیان می‌پردازد. دوران اسلامی هم خودش چهار جلد خواهد شد. جالب است که در دنیا، هر چه هنر به نام هنر اسلامی می‌بینید، مال ایران است؛ از عمارت تاج محل تا مساجد مصر و

جنوب اسپانیا، تمام حاصل هنر ایرانی است که به آن‌جاها رفته است. ○ استاد! خانم دکتر سوسن بیانی در گفت‌وگویی که با ایشان داشتیم، معتقد بودند که اوج فلزکاری ایران مربوط به دوره سلجوقیان است. شما اوج هنر ایران را با توجه به تخصص خودتان که هنرهای تجسمی است، مربوط به چه دوره‌ای می‌دانید؟

● ما در دوران ساسانی و هخامنشی و قبل از آن، در اوج هنر بودیم. مجسمه‌ای مربوط به این دوره به شما نشان می‌دهم که از آثار دوره سلجوقیان هم قوی‌تر است و شما آثارش را در تل باکون و مازلیک و نظایر آن می‌بینید. البته من درباره ابتکار عمل در نقاشی و طراحی صحبت می‌کنم.

در دوره سلجوقیان فلزکاری به اوج خود رسید و اوج فلزکاری اسلامی تا حدی دوره سلجوقیان بود. شما می‌دانید که عثمانی‌ها در دوره سلجوقی به آسیای صغیر رفتند و آن‌ها شاخه‌ای از سلجوقیان بودند. اگر به استانبول بروید و از موزه توپ قاپی بازدید کنید، خواهید دید بالای آن به خط نستعلیق نوشته است: «کار استاد اصفهانی». من بررسی کردم و دیدم، طرح اسلیمی خطایی بالای موزه، کار یک کاشیکار اصفهانی است. پوپ گفته است، تاج محل یک اصفهان کوچک است.

من ۴۰ سال گشته‌ام و البته برای پول درآوردن نگشته‌ام. من عاشق یک حقیقت گمشده‌ام که آن را هم به دست آورده‌ام و به جایی رسانده‌ام که می‌توانم ادعا کنم، موزه توپ قاپی را ایرانیان ساخته‌اند. بروید نگاه بکنید. اسلیمی خطایی مال ایران است. این کارهای چوب در ایران در خانه‌های اصفهان رایج بود. هر چه که در مصر و جنوب اسپانیا می‌بینید، در اصفهان هم هست. کارهای چوب، مثبت کاری، مشابه کاری و... از کجا رفته‌اند به آن‌جا؟ وقتی اعراب به ایران حمله کردند، حتی خانه نداشتند و چادر نشین بودند. رهبر انقلاب در کنفرانس زبان فارسی فرمودند: دین اسلام به زبان عربی به ایران آمد، ولی با زبان فارسی در کل دنیا پخش شد. منظور ایشان این است که با فرهنگ فارسی و ایرانی در دنیا پخش شد. این نفوذ فرهنگ ایران بود که، اسلام را جهانی کرد. معتقدات ما همیشه این بوده است که یک خدا را قبول داشته‌ایم و اسلام اعراب هم همین بوده است. ○ از این که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید سپاسگزاریم و برایتان آرزوی توفیق داریم.

